خبر

«شور عاشقی» به جشنواره ایتالیایی راه یافت

فیلم سینمایی «شور عاشقی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی داریوش یاری از تولیدات مشترک بنیاد سینمایی فارابی و بنیاد شهید در ایتالیا روی پرده می‌رود. شور عاشقی در نخستین حضور بین‌المللی خود در ایتالیا و بخش رقابتی جشنواره مذهب امروز به نمایش در می‌آید. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: سلما باید صدای کاروان اسرای کربلا شود تا جای راست و دروغ در تاریخ عوض نشود. او باید پیش از شمر و مامورانش وارد منازل پیش روی کاروان شود و با گفتن حقیقت اجازه فریب مردم را به ماموران ندهد. این در حالی است که تصمیم او برای همراهی این کاروان از کوفه تا شام، انتقام خون پدرش از قاتلان اوست. همچنین شهره موسوی، مهدی زمین‌پرداز و پیام احمدی‌نیا از جمله بازیگرانی هستند که در فیلم سینمایی شور عاشقی به ایفای نقش پرداخته‌اند. بیست‌وهفتمین دوره این جشنواره از ۱۸ تا ۲۵ سپتامبر برابر با ۲۸ شهریور تا ۴ مهر برگزار می‌شود. سال گذشته نیز فیلم سینمایی «بدون قرار قبلی» به کارگردانی بهروز شعیبی در بخش «مهاجران و مهاجرت» این رویداد سینمایی حضور یافته بود. گفتنی است شور عاشقی نخستین‌بار در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر نمایش داده شد و توانست در این رویداد سینمایی سیمرغ بلورین بهترین فیلم بین‌الادیانی را از آن خود کند.



روزنوشت

محمدتقی فهیم | گروه فرهنگ و هنر

ابقای مدیر «بی‌نقاب» سینما

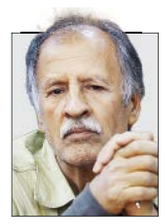

تاریخ سینمای پس از انقلاب سه مدیر صنفی به خود دیده است. مدیرانی که قبل از صدارت در ارشاد، در مقام فعال سینمایی شناخته می‌شدند. مرحوم سیف‌ا...داد، جواد شمقدری و حالا محمد خزاعی با ویژگی‌های صنفی شناخته می‌شوند. اگر چه «داد» و «شمقدری» از خاستگاه سیاسی نیز سرمشق می‌گرفتند، با این حال دغدغه‌های صنفی و همگرایی سینمایی آنان نیز برجسته و کارآمد بود. درحالی که خزاعی را باید با رویکرد غالب، هم‌بسته و وابسته خانواده سینما ارزیابی کرد. همواره موضوعی باعث چالش حوزه مدیریتی بوده و آن این‌که، آیا برای اداره سینما فردی با مولفه‌ها و تشخص مدیریتی و دارای اتوریته بروکراتیک لازم است یا بهتر است که شخصیتی با ویژگی‌های صنفی و دغدغه‌های تولید و معیشت بر این عرصه بنشیند؟ جمع‌بست پاسخ این است که چنانچه مدیری با میانگین شاخصه‌های مستتر در رویکرد پرسش‌های فوق باشد، طبعا ایده‌آل‌ترین شکل است و مدیر تعیین‌شده در چنین وضعیتی، ضمن التفات به نیازهای متنوع سینمایی‌ها، جهش، رشد و توسعه همه‌جانبه این عرصه نیز در زمره فعالیت‌های خود اولویت خواهد داشت. مطابق تجربه از آنچه بر سینمای ایران رفته، مدیران از این دست چون‌که در زیست شخصی خود با مشکلات و معضلات فراراه تولید و نمایش دست‌وپنجه نرم کرده‌اند و مزه بیکاری و فقدان معیشت استاندارد را کشیده‌اند، حالا در مقام مسئول که قرار می‌گیرند، قاعدتا نمی‌توانند نسبت به کم‌وکسری‌های حوزه تحت مدیریت خود بی‌تفاوت یا کم‌توجه باشند، بنابراین هم و غم خود را نسبت به بهبود اوضاع به‌کار خواهند گرفت. به قول معروف «به دربارفته می‌داند مصائب توفان را» نه کسی که از دور و یا توسط عکس و گزارش مرارت‌های ماهیگیری را مشاهده یا خوانده است، اما طی ادوار سینمای پس از انقلاب کمتر با وضعیت ایده‌آل مواجه بوده‌ایم، چرا که در اغلب انتصاب‌ها، مدیرانی فارغ از خاستگاه سینما و عموما قرض گرفته از دیگر حوزه‌های سیاسی/ دیپلماتیک و تلویزیون بوده است. مثلا در دوره شمقدری اگر بی‌غرض به آن بپردازیم شاهد توزیع عادلانه‌تر امکانات سینما میان نیروها (خصوصا اختصاص به شهرستان‌ها) بودیم. ارتقای معاونت به سازمان در کنار افزایش بودجه سینما نیز از جمله شاخص‌های قابل دفاع مدیریت شمقدری است. در این دوره برخی به فیلم ساختن دست یافتند که بعید است دیگر چنین فرصتی پیدا کنند و بعضی هم الان جزو فیلمسازان برجسته هستند. خصوصا زیرمجموعه‌های آن دوره مانند انجمن سینمای جوان و مرکز گسترش نیز امکانات خود را بی‌خط وربط بازی در میدان مراجعه قرار دادند، به‌طوری که در این بازه زمانی فرصت فیلمسازی، مثلا مستندسازی، در اختیار بسیاری قرار گرفت. اما در دوران حاکمیت بوروکرات‌ها و یقه سفیدهای آمده از ساختار سیاسی همه چیز در دایره محافظه‌کاری و ترس، ولی تحت عنوان دهان پرکن نخبه‌گرایی دچار محدودیت و وضعیت رکود و بسته قرار گرفت و بالاخره این‌که محمد خزاعی در جایگاه سومین مدیر برآمده از خانواده سینما به‌عنوان فردی که خود بلاکشیده و رنج دیده پروسه فیلمسازی است، حالا برای ادامه مدیریت سینما در دولت چهاردهم ابقا شد. نیازی نیست تا به کشاکش دهر سینما در دوره این مدیر جوان اشاره کنم، چرا که توسط دیگران گفته شده، اما از یک نکته نمی‌توان غفلت کرد و آن هم ویژگی «بی‌نقاب» بودن محمد خزاعی است.

رابین وود درباره منتقدان می‌گوید که باید خود را برملا کنند. به نظر من در شرایطی که برخی مدیران سعی در پوشش درونیات و افکار خود دارند، خزاعی از جمله شخصیت‌هایی است که طی سه سال گذشته همواره خود را بر ملا کرده؛ همچنان‌که اخیرا نیز بر اعتقادات و باورها و قانون‌گرایی خود تاکید کرد. بی‌تردید مدیرانی ارجح هستند که مراجعه‌کنندگان و ذی‌نفعان آن حوزه، تکلیف‌شان با آنها روشن باشد. مدیران عرصه هنر وقتی شاخص می‌شوند که مانند خود مقوله و مدیوم هنری از پس‌زمینه‌های ارزشی برخوردار و موضع و اعتقادات خود را شفاف اعلام کنند.

بی‌مایه و بلاتکلیف!

فیلم «ملاقات با جادوگر» هجویه ای است که حتی با اغراق در شوخی سخیف و عبور از خط قرمزهای جامعه همچنان ضعیف است



امیرحسین حیدری
گروه فرهنگ و هنر

فیلم «ملاقات با جادوگر» ساخته حمید بهرامیان و به نویسندگی امیرمهدی ژوله یکی از کمدی سینمای ایران است که این روزها در جدول اکران قرار دارد؛ فیلمی که با وجود اقبال به فیلم‌های کمدی در گیشه اما با فروش خوبی روبه‌رو نشده است. مهم‌ترین ویژگی این فیلم را می‌توان در نویسنده و کارگردان آن دید که هر دو ریشه در تلویزیون دارند و هر دو برخاسته از تلویزیون هستند. کارگردان فیلم اولی و جوان ملاقات با جادوگر سابقه کارگردانی سریال‌های موفقی مانند «سقوط یک فرشته» و «چوب‌خط» را در رسانه ملی دارد که همین سابقه خود گواهی می‌دهد که او با کارگردانی آشنایی دارد. نویسنده فیلم امیرمهدی ژوله نیز که نقش اصلی فیلم را برعهده دارد هرآنچه از او در یادها مانده به نوشتن شوخی‌ها در سریال‌های تلویزیون و چهره شدنش در برنامه خندوانه برمی‌گردد. این دو عامل در کنار تیم بازیگری قوی می‌تواند نوید یک کمدی قابل قبول را به هر مخاطبی بدهد اما سه عامل اصلی فیلمنامه، شخصیت‌پردازی و تقدیر! باعث شده با فیلمی بلاتکلیف روبه‌رو باشیم.

> **شخصیت‌پردازی در فیلم ملاقات با جادوگر علاوه بر این‌که در فیلمنامه و کارگردانی درست پرداخت نشده است با ترکیب شوخی‌های نه‌چندان مناسب مخاطب را در مواجهه با شخصیت‌های فیلم سردرگم می‌کند**

داستانی ساده و کلیشه‌ای

یکی از ضعف‌های اصلی ملاقات با جادوگر به فیلمنامه این فیلم برمی‌گردد، ملاقات با جادوگر در واقع براساس طرحی از پیمان عباسی و توسط ژوله و بهرامیان بازنویسی شده اما وقتی به تماشای فیلم می‌نشینید کاملا مشخص است که جهان فیلم و شوخی‌های آن، همه برگرفته از جهان فکری ژوله است. امیرمهدی ژوله آنچنان که خود بارها به شوخی هم گفته است سری‌دوز! بوده و فردی است که استعدادش در نوشتن شوخی است نه فیلمنامه‌کمدی و همان‌طور که در فیلم هم مشخص است ملاقات با جادوگر از داستانی ساده و گاهی کلیشه‌ای بهره می‌گیرد که دیالوگ‌هایش پر از شوخی‌هایی است که مشخصا ژوله برای خودش طراحی کرده و بار اصلی کمدی فیلم بر دوش کاراکتر اصلی فیلم است و برای دیگر بازیگران یا شوخی‌ای طراحی نشده یا این‌که شوخی‌هایش قدرتی برای خنداندن مخاطب ندارد.

کورسوی مثبت!

یکی از نکات مثبت فیلم ارجاعات سینمایی آن به فیلم‌های داخلی و خارجی است که علاوه بر این‌که فیلم ادای دینی می‌کند به سینمای ایران و جهان، می‌تواند توجه مخاطبان حرفه‌ای را به خود جلب کند؛ مخصوصا این‌که بسیاری از ارجاعات سینمایی در یک‌سوم ابتدایی فیلم جای‌گذاری شده و می‌تواند کاری کند تا مخاطب با دقت بیشتری فیلم را دنبال کرده تا مبادا چنین اشارتی را از دست بدهد به‌ویژه این‌که یکی از این اشاره‌های سینمایی در دیالوگ فیلم قرار دارد و ادای دینی است به فیلم اعتراض و دیالوگ معروف مهدی فتحی در این فیلم.

شخصیت‌های کوچک

شخصیت‌ها در فیلم ملاقات با جادوگر علاوه بر این‌که در فیلمنامه درست پرداخت نشده است با ترکیب شوخی‌های نه‌چندان مناسب مخاطب را در مواجهه با شخصیت‌های فیلم سردرگم می‌کند. نخستین شخصیتی که ظاهرا تلاشی در جهت شخصیت‌پردازی آن نشده، شخصیت آرش قائدی با بازی امیرمهدی ژوله است. برای ساختن شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی آرش قائدی به‌عنوان یک آقازاده که می‌خواهد به آمریکا مهاجرت کند کار خاصی صورت نگرفته جز این‌که او شخصیتی ابله و احمق است در صورتی که وقتی لفظ آقازاده پشت اسم کاراکتری می‌آید در ذهن مخاطب تصاویری نقش می‌بندد که هیچ‌کدام از آنها روی پرده دیده نمی‌شود. همچنین ژوله به‌عنوان یک کمدین که نقش اصلی یک فیلم را در اختیار دارد، نتوانسته از عهده ایفای نقش بربیاید با این‌که می‌توان گفت اکثر شوخی‌های این فیلم بر گُرده او قرار دارد و به زیست شخصی او برمی‌گردد مانند رؤیای خوانندگی آرش که برگرفته از حضور ژوله در برنامه جوکر بود. کاراکتر دیگری که داستان فیلم براساس آن پیش می‌رود عطا مشرقی با بازی مانی حقیقی است. آنچه از این شخصیت پیش از حضور آن در قاب تصویر می‌بینیم کلاهبرداری در اِشل بین‌المللی است که سر کارتل‌های مواد مخدر کلاه گذاشته و از زندان‌های امنیتی فرار کرده است اما وقتی مانی حقیقی در نقش عطا مشرقی ظاهر می‌شود در حد و اندازه چنین کاراکتری ظاهر نمی‌شود و نه خطرپذیری خاصی از او و نه حتی بهره هوشی را که در حد و اندازه این شخصیت باشد در بازی حقیقی نمی‌بینیم. دیگر شخصیت‌ها هم هر یک به‌گونه‌ای دارای ضعف‌هایی هستند. فیلم ملاقات با جادوگر به خاطر درونمایه آن که موضوعی سیاسی درباره اختلاس مسئولان و فرار آنها به کشور کانادا است در ارائه تصویری از این موضوع بسیار عقیم است مخصوصا درباره شخصیت قائدی با بازی علیرضا خمسه و تا جایی که بازی‌ای از او در این فیلم می‌بینیم آن چیزی نیست که از او در آثار دیگر سراغ داشتیم. این موضوع به شخصیت‌پردازی و باورپذیری مخاطبان از یکی از کاراکترهای مهم فیلم و همچنین روایت داستان ضربه زده؛ ضربه‌ای که باعث شده حضور شخصیت قائدی به عنوان یک مسئول دولتی و اثرگذار در داستان به کمترین حد خود برسد.

> **رقص میان دو مرد تا جایی که به یاد داریم جز در فیلم‌هایی که محور اصلی آنها به موضوعی خاص می‌پردازد در اصطلاحا سینمای غرب سابقه نداشته و سینمای ایران به‌دلیل نبود مدیریت درست توانسته قفل این مرحله را بشکند!**

یک سرنوشت کمدی

از دلایل عجیب اما اثرگذار در بلاتکلیفی فیلم تقدیری است که انگار در سرنوشت آن نوشته شده، آن هم یک سرنوشت کمدی. فیلم ملاقات با جادوگر در واقع تولید سال ۹۸ است اما از همان زمان تا امروز هر بار که می‌خواست رنگ اکران را به خود ببیند حادثه ای رخ داده که مانع این امر شده. تا آنجا که پس از تولید فیلم و مهیا کردن کارها برای اکران فیلم به پاندمی کرونا می‌رسد و پس از آن تا به امروز به گفته بهرامیان، کارگردن فیلم هر بار که فیلم خواسته برای اکران برسد اتفاقی افتاده و اثر در شرایط ویژه‌ای قرار گرفته که امکان حضور این فیلم بر پرده نقره‌ای فراهم نشده. بدیهی است چنین اتفاق و فاصله‌ای میان تولید و اکران یک اثر آن هم در گونه کمدی می‌تواند در جذابیت فیلم اثرگذار باشد؛ چرا که گونه کودک مانند فیلم شهر گربه‌ها به کارگردانی سیدجواد هاشمی می‌بینیم. فیلم ملاقات با جادوگر از آن دست فیلم‌هایی است که در این دسته قرار می‌گیرد، مثلا وقتی که شخصیت سارا به ایران برمی‌گردد و می‌ترسد از این‌که در فرودگاه پلیس مردم را بی‌دلیل بگیرد و فیلم صحه بر ترس او می‌گذارد و در فیلم اتفاقا پلیس بدون دلیل چند نفر را از صف گذرنامه و ورود به ایران بیرون می‌کند یا نوع مواجهه شخصیت حوری (نسیم ادبی) با جنس مخالف خود که برای این‌که کمدی به نظر برسد به شکلی بازنمایی شده که حوری تقریبا هر مردی را در فیلم می‌بیند به شکلی اغراق‌گونه تلاش می‌کند تا او را جذب خود کند که حتی این مورد را درباره مردان متاهل هم انجام می‌دهد. درباره این نوع از شخصیت‌پردازی باید این نکته را گوشزد کرد که اصولا در فیلم، شخصیت‌ها جامعه خود را نمایندگی می‌کنند، فارغ از این‌که مخاطب در این زمینه آگاهی دارد یا خیر اما وارونه نشان دادن شخصیت‌ها برای صرفا خنده می‌تواند باعث شکل‌گیری ذهنیتی منفی از جامعه شود که تبعات منفی آن بیشتر گرفتن چند لحظه خنده از مخاطب است.

همچنین در فیلم ملاقات با جادوگر مانند دیگر کمدی روی پرده یعنی پول و پارتی صحنه‌ای از رقص تانگو میان امیرمهدی ژوله و یکی از هنروران اتفاق می‌افتد که ظاهرا نشان از علاقه دست‌اندرکاران تهیه و صدور مجوز دولتی به این نوع از حرکات موزون است! تنها نکته‌ای که درباره این موضوع وجود دارد این‌که ماهیت این رقص از مفهوم عشق گرفته شده و به همین دلیل انجام این رقص میان دو مرد تا جایی که به یاد داریم جز در فیلم‌هایی که محور اصلی آنها به موضوعی خاص می‌پردازد در اصطلاحا سینمای غرب سابقه نداشته و سینمای ایران به‌دلیل نبود مدیریت درست توانسته قفل این مرحله را بشکند!

اگر کمی دقت می‌شد...

فیلم ملاقات با جادوگر اگر کمی در جزئیات دقت می‌کرد، می‌توانست خیلی بهتر از چیزی که امروزه با آن روبه‌رو هستیم خودنمایی کند. ملاقات با جادوگر از آن دست فیلم‌هایی است که وقتی به تماشایش می‌نشینی، متوجه می‌شوی که چقدر جای کار کردن دارد و می‌توانست بهتر از این باشد با این حال همچنان از بعضی فیلم‌های کمدی که روی پرده است کمدی سالم‌تر و بهتری را ارائه می‌دهد. خلاصه این‌که فیلم ملاقات با جادوگر یک فیلم بلاتکلیف است. امیرمهدی ژوله به عنوان بازیگر اصلی توانایی خلق موقعیت کمدی را ندارد و همچنان در موقعیت‌های استندآپ کمدی خندوانه متوقف مانده است.

یکی از ویژگی‌های آثار کمدی، پرداختن و شوخی کردن با مسائل روز جامعه است و چنین فاصله‌ای می‌تواند باعث کاهش جذابیت اثر بشود. اما ضعف‌های موجود در این فیلم را نمی‌توان تنها به این موضوع نسبت داد.

یک جُوال دوز به خود!

چند سالی است که فیلم‌های ایرانی به جای این‌که سوزنی به خود بزنند و جوال‌دوزی به مردم، این ضرب‌المثل را از آخر به اول می‌خوانند و اجرا می‌کنند و در فیلم‌های ایرانی تصویر مثبتی از جامعه ایران به نمایش درنمی‌آید. اگر زمانی این پدیده صرفا در فیلم‌های به اصطلاح اجتماعی دیده می‌شد که برای گروه فیلم آن حتی نام فلاکت! را انتخاب کرده بودند چند سالی است که وارونه نشان دادن جامعه ایرانی به دیگر گونه‌های سینمایی هم سرایت کرده و نمونه‌های آن را در کمدی مانند فیلم ملاقات با جادوگر و حتی



قاب

جای خالی شعر در سینما

امروز روز شعر و ادب پارسی است؛ هنری که از دیرباز نماینده فرهنگی ایرانی در جهان بوده و همچنان یکی از شاخصه‌های فرهنگی ایران در جهان به‌شمار می‌رود. با این حال اما، مهم‌ترین رکن فرهنگی کشور در آیینه سینما آنچنان که باید جدی گرفته نشده و فیلم سینمایی مست عشق را می‌توان جدی‌ترین تلاش سینما برای بازنمایی شعر و ادب پارسی بر پرده نقره‌ای دانست. مست عشق روایتی نو از دیدار شمس و مولاناست که به تولد یکی از ارکان ادبیات فارسی منجر می‌شود.



پویانمایی

دیپلم افتخار خیرونا در دستان «پتتیک»



پویا نمایی کوتاه «پتتیک» ساخته نرگس ذاکری از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی دیپلم افتخار جشنواره خیرونای اسپانیا را دریافت کرد. پتتیک نام یکی از سونات‌های بتهوون است، شخصیت اصلی داستان یک پیانیست است. پتتیک یعنی غم‌انگیز و موضوع این پویا نمایی درباره فروپاشی روانی یک انسان است که به خلق اثر هنری منجر می‌شود. بخش انیمیشن این جشنواره از ۲۲ تا ۲۵ شهریور برگزار شد و پتیتک دیپلم افتخار این دوره را دریافت کرد. سی‌وششمین دوره جشنواره خیرونای اسپانیا در شهری با همین نام در استان کاتالونیا برگزار شد. امسال ۲۰۰۰ اثر به این جشنواره ارسال شد که از میان آنها ۵۰۰ فیلم انتخاب شدند و در نهایت ۵۰ اثر در اختتامیه جایزه دریافت کردند. گفتنی است انیمیشن کوتاه پتتیک یک انیمیشن شش دقیقه‌ای است که با سبک انیمیشن دوبعدی فریم‌بای‌فریم کار شده.

پویانمایی کوتاه شش‌دقیقه‌ای پتتیک به سبک انیمیشن دوبعدی فریم‌بای‌فریم کار شده است. طراحی فضا و محیط این انیمیشن را سحر امیری، بخش انیمیت این کار را میلاد خلیلی و موسیقی آن را پیام آزادی برعهده داشتند.

اکران

افتتاحیه یک فیلم روان‌شناسی



آیین رونمایی و اکران افتتاحیه فیلم سینمایی «سرآغاز» به کارگردانی سعید حسینی و تهیه‌کنندگی شهاب کاظمی شامگاه یکشنبه ۲۵ شهریور با حضور عوامل و سازندگان فیلم، هنرمندان و اهالی رسانه توسط گروه سینمایی «هنر و تجربه» در پردیس سینمایی چارسو برگزار شد. سعید حسینی، کارگردان فیلم سرآغاز در جریان این مراسم درباره فیلم گفت: سرآغاز؛ در واقع در مورد پیچیدگی‌های ذهن انسان و یکسری از مفاهیم فرویدی است و ما برای این‌که بتوانیم قسمت‌های متفاوتی از ذهن یک انسان شاید دچار اختلالات روانی را نشان بدهیم، لاجرم به سمت جهان‌های موازی رفتیم و دنیاهای متفاوتی را که در ذهن یک فرد وجود دارد، به نمایش درآوردیم. همچنین سرور مدحی، روان‌شناس که به‌عنوان مهمان ویژه در مراسم حضور داشت، عنوان کرد: در علم پزشکی می‌گویند که پیشگیری بهتر از درمان است و در این راه سینما و رسانه نقش پررنگی دارند. کار سینما و رسانه نیز همین است که به تصویر بکشد و با تصویرسازی آموزش دهد.